

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

١٠٤٦٥٢



دانشگاه قم

دانشکده‌الاهیات و معارف اسلامی

پایان نامه دوره کارشناسی ارشد فلسفه و کلام اسلامی

عنوان:

چیستی فلسفه اسلامی

استاد راهنما:

حجة الاسلام والمسلمین دکتر عسگر دیرباز

استاد مشاور:

حجة الاسلام والمسلمین عباس ایزدپناه

نگارنده:

حمید خدابخشیان

۱۴ ۴۶۵۲

بهار ۱۳۸۷

کتابخانه مرکزی
دانشگاه قم

۱۳۸۷ / ۱۶ / ۲۷

تاریخ: ۸۷/۴/۱۵

شماره: ۱۳۱۸۴

پیوست:

بررسی



جمهوری اسلامی ایران
وزارت علوم، تحقیقات و فناوری
دانشگاه قم



« صورت جلسه دفاع از پایان نامه کارشناسی ارشد »

با تأییدات خداوند متعال و با استعانت از حضرت ولی عصر «عجل الله تعالی فرجه الشریف»

جلسه دفاعیه پایان نامه آقای: حمید خدا بخشیان

رشته: فلسفه و کلام اسلامی

تحت عنوان: چیستی فلسفه اسلامی

با حضور هیأت داوران در محل دانشگاه قم در تاریخ ۸۷/۴/۱۵ تشکیل گردید.

در این جلسه، پایان نامه با موفقیت مورد دفاع قرار گرفت و نامبرده نمره با عدد

۱۸۵ با حروف: هجده و پنج

با درجه: عالی بسیار خوب خوب قابل قبول دریافت نمود.

نام و نام خانوادگی	سمت	مرتبه علمی	امضاء
عسگر دیرباز	استاد راهنما	استادیار	
عباس ایزدپناه	استاد مشاور	مربی	
محمد ذبیحی	استاد ناظر	استادیار	
حبیب الله دانش شهرکی	استاد ناظر	استادیار	
محمد کاظم شاکر	نماینده کمیته تحصیلات تکمیلی	دانشیار	

نشانی:

قم، جاده قدیم اصفهان،
دانشگاه قم

کدپستی: ۳۷۱۶۱۴۶۶۱۱

تلفن: ۲۸۵۳۳۱۱

دورنویس:

معاونت آموزشی ۲۸۵۵۶۸۴

معاونت اداری ۲۸۵۵۶۸۶

معاونت دانشجویی ۲۸۵۵۶۸۸

مدیر امور آموزش و تحصیلات تکمیلی
نام و امضاء:

معاون آموزشی و پژوهشی دانشکده

نام و امضاء:

تقدیم به:

مهدی موعود،

که نمی دانم تا کی سرگشته و حیران اویم.

تقدیر و تشکر:

از اساتید بزرگوار راهنما و مشاور، جناب آقای دکتر دیرباز و جناب آقای ایزدپناه که صبورانه و با دل‌سوزی در تمام مراحل تدوین پایان نامه مرا یاری نمودند صمیمانه متشکرم و بدین وسیله مراتب قدردانی خود را از استاد عزیز عبدالحسین خسروپناه، که از راهنمایی‌های ایشان در به سرانجام رساندن رساله سود جستیم، ابراز می‌دارم. همچنین از همسر، که در انجام این کار و امور دیگر زندگی مرا یاری‌گر بوده و هست، بسیار متشکرم.

چکیده:

این رساله با بررسی چند رکن اصلی فلسفه اسلامی و ارائه دیدگاه فیلسوفان مکاتب اصلی این فلسفه به تبیین چپستی آن پرداخته است. در فصل آغازین، تعریف فلسفه مورد بررسی قرار گرفته و پس از مروری بر تعاریف ارائه شده از سوی فیلسوفان، در نهایت این تعریف برگزیده شده است: فلسفه دانشی است که در آن با طی فرایندی یقین بخش به حقایق نظری و عملی آگاه می‌شویم. در فصل دوم موضوع فلسفه اسلامی مورد مطالعه قرار گرفته. در این بخش «موجود مطلق» موضوعی مشترک در میان مکاتب گوناگون فلسفه اسلامی دانسته شده است. در فصل سوم به این نتیجه رسیده‌ایم که در دیدگاه فلاسفه اسلامی «علم به حقایق اشیاء» غایتی اساسی برای فلسفه به‌شمار می‌رود. در فصل چهارم بررسی روش‌های به کار رفته در فلسفه اسلامی مورد توجه قرار گرفته است. در نخستین بخش این فصل روش برهانی مورد بررسی قرار گرفته و امکان استفاده از مبدئی دیگر در برهان، به عنوان نتیجه تحلیل نظرات فلاسفه و منطق‌دانان معرفی شده است. در این بخش، برهان مورد استفاده در فلسفه نیز بررسی گردیده است. در دومین بخش از فصل روش‌شناسی که به روش شهودی و چگونگی دیدگاه فیلسوفان نسبت به مقوله «کشف» و استفاده از آن در فلسفه، اختصاص یافته، نحوه نقش‌آفرینی روش شهودی در فلسفه اسلامی و تأثیرات آن بر فلسفه، پیگیری شده است. در سومین بخش این فصل، امکان به کار بستن روش نقلی و قالب استفاده از آن توسط فیلسوفان در فلسفه اسلامی مورد بررسی قرار گرفته و در فصل پایانی که به دنبال وجه اسلامیت فلسفه اسلامی است، ابتدا به بررسی مؤلفه‌هایی پرداخته شده که در مجموع امکان تحقق فلسفه‌ای با وصف اسلامی را موجه می‌سازند. در بررسی وجه اسلامیت فلسفه محقق، که بخش بعدی این فصل را تشکیل می‌دهد، مؤلفه‌های دخیل در اسلامی بودن فلسفه‌ای که امروزه به عنوان فلسفه اسلامی شناخته می‌شود برشمرده شده و بر این نکته تأکید می‌شود که انتساب این فلسفه به دین اسلام به‌جا و موجه است.

کلیدواژه: تعریف فلسفه، حکمت نظری، حکمت عملی، موضوع فلسفه، موجود مطلق، غایت فلسفه،

روش‌شناسی فلسفه، برهان، مبادی برهان، مکاشفه، روش شهودی، اسلامیت فلسفه.

فهرست مطالب

صفحه	عنوان
۱.....	مقدمه
۲.....	بیان مسأله تحقیق
۳.....	اهداف تحقیق
۳.....	اهمیت تحقیق
۴.....	سوالات تحقیق
۵.....	فرضیه تحقیق
۵.....	پیشینه تحقیق
۶.....	روش تحقیق
۷.....	مشکلات تحقیق
۸.....	فصل اول: تعریف فلسفه اسلامی
۹.....	۱-۱. مقدمه
۱۲.....	۲-۱. مروری بر تعاریف
۱۲.....	۱-۲-۱. استکمال نفس انسانی
۱۴.....	۲-۲-۱. تشبّه بالاله
۱۶.....	۳-۲-۱. برترین دانش
۱۷.....	۴-۲-۱. نظم عقلی جهان
۱۸.....	۵-۲-۱. تعریف به اقسامی از معرفت
۱۸.....	الف) معرفت اشیاء
۱۹.....	ب) معرفت وجود واجب

ج) علم به اسباب اول ۲۰

د - معرفت مفارقات ۲۱

۱-۲-۶. تعریف براساس موضوع ۲۴

۱-۳. جمع بندی ۲۵

فصل دوم: موضوع فلسفه اسلامی ۲۷

۱-۲. مقدمه ۲۸

۲-۲. چیستی موضوع علم ۲۹

۱-۲-۲. عوارض ذاتیه موضوع علم ۳۰

۲-۲-۲. رابطه موضوع علم با موضوع مسائل علم ۳۲

۳-۲. موضوع فلسفه در معنای اعم ۳۳

۱-۳-۲. موضوع حکمت نظری و حکمت عملی ۳۴

۲-۳-۲. اقسام حکمت عملی و موضوع آنها ۳۵

۳-۳-۲. اقسام حکمت نظری و موضوع آنها ۳۶

۴-۲. موضوع فلسفه در معنای اخص ۳۸

۵-۲. جمع بندی ۴۴

فصل سوم: غایت فلسفه اسلامی ۴۶

۱-۳. مقدمه ۴۷

۲-۳. بررسی غایت فلسفه ۴۸

۱-۲-۳. علم به حقایق اشیاء ۴۸

- ۵۰..... ۲-۲-۳. تکمیل نفوس
- ۵۱..... ۳-۲-۳. شباهت یافتن به خداوند متعال
- ۵۵..... ۴-۲-۳. معرفت یافتن به خداوند متعال
- ۵۶..... ۵-۲-۳. مبدل گشتن به جهان عقلی
- ۵۸..... ۳-۳. جمع بندی و نتیجه گیری

فصل چهارم: روش شناسی فلسفه اسلامی ۶۱

- ۶۲..... ۱-۴. مقدمه
- ۶۴..... ۲-۴. استفاده از برهان در فلسفه اسلامی
- ۶۴..... ۱-۲-۴. تعریف برهان
- ۶۶..... ۲-۲-۴. مبادی برهان
- ۶۷..... ۱-۲-۲-۴. معیار مبادی برهان
- ۶۸..... ۲-۲-۲-۴. بررسی مبادی برهان
- ۶۸..... الف. اولیات
- ۷۰..... ب. مشاهدات
- ۷۲..... ج. مجربیات
- ۷۳..... د. حدسیات
- ۷۵..... ه. متواترات
- ۷۸..... و. فطریات
- ۷۹..... ز. مبدئی دیگر

- ۳-۲-۴. برهان در فلسفه..... ۸۲
- ۱-۳-۲-۴. اقسام برهان..... ۸۳
- الف. اقسام برهان لمّی..... ۸۴
- ب. اقسام برهان ائی..... ۸۴
- ۲-۳-۲-۴. برهان مورد استفاده در فلسفه..... ۸۶
- ۳-۴. استفاده از شهود و کشف در فلسفه اسلامی..... ۹۰
- ۱-۳-۴. تعریف مکاشفه..... ۹۱
- ۲-۳-۴. شهود در فلسفه اسلامی..... ۹۲
- ۱-۲-۳-۴. جایگاه معرفت‌شناختی شهود در مکتب اشراقی..... ۹۳
- ۲-۲-۳-۴. وصول به معرفت یا حصول معرفت در فلسفه..... ۹۴
- ۳-۲-۳-۴. دلیل فلاسفه در مراجعه به کشف..... ۹۸
- ۴-۲-۳-۴. رابطه معرفت نفس و شهود..... ۱۰۱
- ۵-۲-۳-۴. تأثیر روش شهودی در فلسفه اسلامی..... ۱۰۲
- گونه‌های تأثیرگذاری روش شهودی بر فلسفه..... ۱۰۳
۱. طرح مسأله فلسفی..... ۱۰۴
۲. اثر گذاری به واسطه لطافت نفس..... ۱۰۸
- الف. از طریق حدس و الهام..... ۱۰۸
- ب. فهم عمیق‌تر مطالب و درک بیشتر آنها..... ۱۰۹
۳. تأیید استدلال..... ۱۱۰
۴. پیشنهاد برهان..... ۱۱۱

- ۱۱۲ ۳-۳-۴. وصول و حصول معرفت در تکامل انسان
- ۱۱۵ ۴-۴. استفاده از نقل در فلسفه اسلامی
- ۱۱۸ ۵-۴. جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

فصل پنجم: چیستی اسلامیت فلسفه اسلامی ۱۲۲

- ۱۲۳ ۱-۵. مقدمه
- ۱۲۴ ۲-۵. امکان فلسفه اسلامی
- ۱۲۴ ۱-۲-۵. ویژگیهای فلسفه الهی
- ۱۲۶ ۲-۲-۵. مؤلفه‌های دخیل در امکان فلسفه اسلامی
- ۱۲۶ ۱-۲-۲-۵. فلسفه اسلامی در پرتو استخراج یا استنباط از متون
- ۱۲۸ ۲-۲-۲-۵. فلسفه اسلامی در پرتو فلسفه‌ورزی در اسلام
- ۱۲۹ ۳-۲-۲-۵. فلسفه اسلامی در پرتو رویکرد تفسیری به کتاب و سنت
- ۱۳۰ الف- رویکرد تطبیقی
- ۱۳۰ ب- رویکرد تصدیقی
- ۱۳۰ ج- رویکرد تکمیلی
- ۱۳۰ د- رویکرد تفسیری
- ۱۳۱ ۴-۲-۲-۵. فلسفه اسلامی در پرتو الهام‌گیری از آیات و روایات
- ۱۳۲ ۵-۲-۲-۵. فلسفه اسلامی در پرتو روش فلسفی شیعه
- ۱۳۴ ۳-۵. فلسفه اسلامی در مقام تحقق
- ۱۳۹ ۱-۳-۵. فلسفه اسلامی متأثر از محیط اسلامی
- ۱۴۰ ۲-۳-۵. فلسفه اسلامی محصول هم‌خوانی میان عقاید و فلسفه

- ۳-۳-۵. فلسفه اسلامی در پرتو هماهنگی میان اسلام و فلسفه..... ۱۴۱
- ۴-۳-۵. جهان‌بینی اسلامی، سرچشمه فلسفه اسلامی..... ۱۴۲
- ۵-۳-۵. فلسفه اسلامی متأثر از دین اسلام..... ۱۴۲
- الف) جهت‌دهی به فلسفه..... ۱۴۳
- ب) طرح مسأله فلسفی..... ۱۴۳
- ج) ابداع استدلال..... ۱۴۴
- د) رفع اشتباه فیلسوف..... ۱۴۴
- ۶-۳-۵. فلسفه اسلامی در پرتو استمداد از عقل قدسی..... ۱۴۵
- ۷-۳-۵. هویت مستقل، نشانه تحقق فلسفه اسلامی..... ۱۴۵
- ۴-۵. بررسی دیدگاه مخالف..... ۱۴۸
- ۵-۵. جمع‌بندی مطالب..... ۱۵۱
- مروری بر مطالب و نتیجه‌گیری..... ۱۵۳
- فهرست منابع و مآخذ..... ۱۵۸

چکیده انگلیسی

مقدمه

هر دانشی را می‌توان با دو نوع دیدگاه مورد بررسی قرار داد؛ نگاه درجه اول و نگاه درجه دوم نسبت به علم. در نگاه درجه اول به دانش، با توجه به ارکان اصلی آن وارد مسائل علم می‌شویم و در مورد آنها به داوری می‌پردازیم. اما در نگاه درجه دوم به دانش از بیرون به نظاره آن می‌نشینیم و وارد مسائل علم نمی‌شویم. در این نگاه به دنبال تعیین صدق و کذب گزاره‌های یک علم نیستیم، بلکه می‌خواهیم مؤلفه‌های اصلی حاکم بر کل دانش را بررسی می‌کنیم. در این صورت با نگاهی تاریخی به توصیف ارکان دانش می‌پردازیم و تحلیل‌های عقلانی خود را بر اساس این توصیف‌ها شکل می‌دهیم.

بررسی چپستی فلسفه اسلامی از نوع نگاه درجه دوم به یک دانش است. فلسفه اسلامی مانند هر دانش دیگری از ابتدای پیدایش خود در جهان اسلام دارای تطورات گوناگونی بوده است. این تحولات و دگرگونی‌ها باعث پیدایش سه مکتب اصلی در فلسفه اسلامی گردید. ابن‌سینا به عنوان نماینده اصلی مکتب مشائی شناخته می‌شود. البته فلسفه ابواسحاق کندی و فارابی را نیز می‌توان در این مکتب جای داد. ولی قدرت فلسفی بوعلی باعث شده که او را متفکر اصلی مکتب مشائی بدانند. مختصه اصلی این مکتب عقل‌گرایی صرف است. پس از ابن‌سینا شیخ شهاب‌الدین سهروردی مکتب اشراقی را با وارد کردن شهود در فلسفه بنا می‌نهد. مکتب مشائی و اشراقی خود زمینه‌ای برای پیدایش مکتبی شد که بنا بر آنچه مشهور است، آن را جامع میان قرآن، برهان و عرفان می‌دانند. صدرالمتألهین با سود جستن از آثار پیشینیان و زمینه‌ای که فراهم شده بود و تفکر ژرفی که داشت موفق به بناگذاری این مکتب شد.

در این رساله برآنیم که با بررسی اندیشه‌های متفکران اصلی سه مکتب فلسفه اسلامی به تبیین هویت فلسفه اسلامی بپردازیم. برای دستیابی به این هدف در سه فصل نخست تعریف، موضوع و غایت فلسفه را مورد بررسی قرار خواهیم داد و سپس فصلی را به تبیین روش‌های به کار رفته در فلسفه اسلامی اختصاص می‌دهیم. البته در پرداختن به هر کدام از این موضوعات می‌توان به دو روش عمل نمود. اول این‌که تک‌تک گزاره‌های فلسفی را مورد مطالعه قرار دهیم و مطالب مربوط به این موضوعات را از دل مسائل فلسفی اصطیاد نماییم. دومین روش این است که نظرات خود فیلسوفان را درباره این موضوعات جویا شویم. در زوند تدوین این رساله غالباً به روش دوم مباحث را به پیش برده‌ایم و با مراجعه به عبارت‌های متفکران اصلی مکاتب فلسفه اسلامی به تبیین این موضوعات پرداخته‌ایم. اما در فصل پایانی که به بررسی اسلامیت فلسفه می‌پردازد، روند تحقیق به طریق دیگری است. از آن‌جا که کاربرد واژه «فلسفه اسلامی» در آثار فلسفی پیشینیان دیده نمی‌شود و پیدایش این واژه مربوط به دوران اخیر است، لذا تبیینی نیز از جانب فلاسفه پیشین درباره آن صورت نگرفته است. در این فصل با تکیه بر آراء صاحب‌نظران حوزه فلسفه اسلامی وجه اسلامیت فلسفه را مورد بررسی قرار خواهیم داد.

لازم به ذکر است با توجه به نگاهی که در تدوین رساله لحاظ شده است بیشتر با بررسی تاریخی به توصیف موضوعات مطرح شده پرداخته و تحلیل‌های خود را نیز ارائه نموده‌ایم. اقتضای این نوع نگاه عدم داوری و نقادی در مورد مباحث است و تحلیل‌ها نیز غالباً مبتنی بر توصیف‌های پیشین خواهد بود.

بیان مسأله تحقیق

فلسفه پس از ورود به جهان اسلام در میان سایر علوم اسلامی از جای‌گاه ویژه‌ای برخوردار بوده است. هر چند برخی از مستشرقین و غرض‌ورزان فلسفه این‌رشد را پایانی بر فلسفه اسلامی می‌دانند، فلسفه هنوز در میان مسلمین، به خصوص در مکتب تشیع حضور پررنگی دارد و در حال رشد و بالندگی است. مسأله اصلی تحقیق آشکار نمودن هویت و چیستی این

فلسفه است. برای این منظور از میان ملاک‌های آشکار کننده چیستی فلسفه اسلامی، به بررسی پنج عنوان خواهیم پرداخت.

اهداف تحقیق

اهداف این تحقیق در دو بُعد آموزشی و نظریه‌پردازی قابل تبیین است. پرداختن به ارکان تشکیل دهنده هویت فلسفه اسلامی از آن جهت در بعد آموزشی کاربرد دارد، که آشکارسازی آن‌ها در بالا بردن افق فکری دانش‌جویان فلسفه و جهت‌دهی به ذهن ایشان برای فراگیری بهتر فلسفه، بسیار مؤثر است. به نظر می‌رسد که لازم است این قسم از مسائل در ابتدای آموزش هر دانشی در ضمن مباحث مقدماتی به جویندگان آن دانش ارائه گردد؛ تا با بالاتر رفتن سطح اطلاعات ایشان درباره دانش، روند آموزش تسهیل گردد.

اما فایده دیگر بررسی این دسته از مباحث کلی حاکم بر فلسفه این است که علاوه بر آگاهی دادن نسبت به نقاط قوت فلسفه، ما را به کاستی‌ها و نقایص آن آگاه می‌سازد. با رفع این کاستی‌ها می‌توان افق‌های جدیدی را بر روی فلسفه اسلامی گشود و این دانش را به یک دانش اثرگذار در حوزه‌های علمی و نظری مبدل ساخت.

اهمیت تحقیق

اهمیت تحقیق درباره تعریف، موضوع و غایت فلسفه اسلامی به جهت آن است که این موضوعات سه رکن اصلی و اساسی فلسفه را تشکیل می‌دهند و بررسی آن‌ها ما را در تعیین چیستی فلسفه اسلامی مدد خواهد کرد. بررسی تاریخی این موضوعات ما را به نقاط اشتراک و اختلاف فلاسفه در مورد آن‌ها آگاه می‌سازد.

بررسی روش‌های به کار رفته در فلسفه اسلامی از آن جهت واجد اهمیت است که دانستن این روش‌ها به ما در فهم دقیق مسائل فلسفی و تحقیق درباره آن‌ها یاری می‌رساند. آگاهی نسبت به روش و ابزار در هر دانشی یکی از مهم‌ترین عوامل پیش‌برنده مباحث آن علم است.

اهمیت پرداختن به وجه اسلامیت فلسفه اسلامی به واسطه اشکالاتی است که نسبت به آن مطرح می‌شود آشکار می‌گردد. برخی با طرح اشکالاتی آن‌چه را به عنوان فلسفه اسلامی می‌شناسیم نه اسلامی، بلکه یونانی می‌دانند و برخی بر تفکیک میان دین و فلسفه تأکید دارند. لذا بررسی نسبت میان فلسفه اسلامی و دین اسلام و چرایی نام‌گذاری این فلسفه به فلسفه اسلامی از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است.

سؤالات تحقیق

با توجه به عنوان اصلی رساله، یعنی «چیستی فلسفه اسلامی»، سؤال اصلی تحقیق پرسش از ماهیت فلسفه اسلامی است و سؤالات فرعی به این صورت قابل طرح است:

- فلاسفه سه مکتب اصلی فلسفه اسلامی چه تعاریفی را برای فلسفه ارائه کرده‌اند؟ آیا می‌توان با توجه به تعاریف ایشان، تعریف جامعی را برای فلسفه ارائه نمود؟

- موضوع فلسفه اسلامی چیست؟ با توجه به این‌که فلاسفه اسلامی در مکاتب مختلف دارای مبانی متفاوتی بوده‌اند، آیا می‌توان امر مشترکی را به عنوان موضوع فلسفه اسلامی در میان این مکاتب برشمرد یا نه؟

- فلاسفه از چه چیزی به عنوان غایت فلسفه نام برده‌اند؟ آیا در نظر ایشان هدف فلسفه صرف علم اندوزی است و یا با فراگیری این دانش به دنبال اهداف دیگری نیز بوده‌اند؟

- چه روش یا روش‌هایی در فلسفه اسلامی به کار رفته است؟ آیا در فلسفه اسلامی تنها بر روش عقلانی تکیه شده است و یا فلاسفه در آثارشان به کاربردن روش‌های دیگری را نیز توصیه می‌کنند؟

- پسوند «اسلامی» در واژه «فلسفه اسلامی» به چه علت به آن ملحق شده است؟ آیا وجهی برای منتسب دانستن این فلسفه به دین اسلام وجود دارد یا خیر؟

فرضیه تحقیق

فرضیه‌های این تحقیق در فصول گوناگون به شرح زیر است:

تعریف فلسفه را می‌توان «آگاهی یافتن به حقیقت از طریق پیمودن روش برهانی» دانست. به نظر می‌رسد موضوع فلسفه امر موجود است. این موضوع باید میان مکاتب فلسفه اسلامی امری مشترک باشد؛ زیرا وظیفه و غایت فلسفه شناخت اشیاء است. از آن‌جا که فلسفه هستی‌شناسی عقلی است می‌توان گفت استفاده از برهان اصلی‌ترین روش آن را تشکیل می‌دهد. همچنین به نظر می‌رسد منتسب دانستن این فلسفه به دین اسلام امری صحیح و موجه است.

پیشینه تحقیق

از آن‌جا که غایت هر دانشی جزء رئوس ثمانیه علم محسوب می‌شود، فلاسفه معمولاً در ابتدای کتب فلسفی‌شان این مسئله را مورد بررسی قرار داده‌اند. همچنین معمولاً در ابتدای کتب ذکری از تعریف و موضوع علم به میان می‌آید. اما بررسی تاریخی این موضوعات در میان مکاتب گوناگون فلسفه اسلامی امری است که کمتر به آن پرداخته شده است.

در بحث روش‌شناسی فلسفه اسلامی می‌توان گفت که هر چند پرداختن به برهان در کتب منطقی مرسوم بوده است، ولی بررسی روش‌های دیگر، به غیر از روش برهانی، که ممکن است در فلسفه به کار گرفته شده باشد در کتب پیشینیان و به صورت یک‌جا انجام نشده است. همچنین می‌توان ادعا کرد که این موضوع کمتر مورد توجه پژوهشگران حوزه فلسفه بوده است و تحقیق جامعی درباره آن صورت نگرفته است. از میان تحقیقات صورت گرفته در این زمینه می‌توان به مقاله «روش‌شناسی حکمة الاشراق و حکمة‌المتعالیه» نوشته عباس خسروی که در شماره ۹۳ نشریه حوزه به چاپ رسیده اشاره کرد. در این مقاله نویسنده در ابتدا با ورود به حوزه معرفت‌شناسی به بررسی شهود از حیث شناخت می‌پردازد و با ارائه عباراتی از شیخ اشراق و ملاصدرا درصدد ارائه شیوه مطلوب در حکمت، از دیدگاه ایشان است. همچنین مقاله «روش‌شناسی حکمت متعالیه» نوشته احمد ابوترابی در شماره چهارم نشریه معرفت فلسفی نمونه دیگر تحقیقاتی در این زمینه

است. موضوع این مقاله روش‌شناسی حکمت متعالیه از دیدگاه صدرالمتألهین و نقد و بررسی آن است. در این نوشتار در بُعد سلبی حکمت متعالیه بر بی‌کفایتی عقل برای دستیابی به حقایق و نارسایی عرفان در درک حقایق تأکید می‌شود و در بُعد ایجابی این مکتب نقش عقل و وجدان عرفانی و کیفیت امتزاج برهان و وجدان و نقش شریعت در ورای این دو مطرح می‌گردد. مقالات و نوشته‌های مذکور به صورت موردی و در مکتبی خاص به روش‌شناسی پرداخته‌اند، ولی در این رساله تلاش شده که مجموع روش‌های به کار رفته در فلسفه اسلامی مورد بررسی قرار گیرد.

بحث درباره وجه اسلامیت فلسفه اسلامی از آن‌جا که مورد اشکال بوده است؛ موضوعی است که در سال‌های اخیر مورد توجه قرار گرفته و مقالاتی چند در این باره به رشته تحریر درآمده است. برای نمونه می‌توان به فصلنامه نقد و نظر اشاره کرد که در شماره ۴۱-۴۲ با عنوان «فلسفه اسلامی: هستی و چیستی» به صورت ویژه، در ضمن چند گفتگو با صاحب‌نظران و دو مقاله ترجمه شده از دکتر ابراهیم بیومی مدکور و محمدعلی ابوریان به این موضوع پرداخته است. همچنین مقاله «هویت فلسفه اسلامی» در شماره ۳۵ فصلنامه قبسات، به قلم عبدالحسین خسروپناه به این موضوع اختصاص دارد. هویت فلسفه اسلامی در دو ساحت امکان و تحقق پرسش اصلی این نوشتار است. هویت فلسفه اسلامی در پرتو اسلام جامع‌نگر نظریه برگزیده نگارنده این مقاله را تشکیل می‌دهد. اما رساله حاضر با استقصاء و بررسی نظریات گوناگون در این زمینه به دنبال یافتن یک ملاک حداقلی برای اسلامی بودن فلسفه اسلامی بوده است.

روش تحقیق

با توجه به این‌که موضوعات مطرح شده در این رساله از دیدگاه فلاسفه اسلامی مورد بررسی قرار می‌گیرد، روش به کار رفته در جمع‌آوری مطالب روش کتابخانه‌ای است. به همین منظور غالب کتاب‌های سه فیلسوف مکاتب مشائی، اشراقی و حکمت متعالیه و برخی از کتاب‌های شاگردان به‌نام ایشان و در موارد خاص کتاب‌های فیلسوفان نخستین دوره‌های فلسفه اسلامی مورد مطالعه و بررسی قرار می‌گیرد.

در تبیین مطالب از توصیف تاریخی و تحلیل عقلانی مسائل مطرح شده بهره خواهیم برد. تحلیل‌های ارائه شده تنها مبتنی بر توصیف‌های قبلی خواهد بود.

مشکلات تحقیق

مشکل اصلی در تدوین مطالب این رساله، پراکندگی بیش از حد مطالب آن بود. از نظر حوزه مطالعاتی، سه فصل نخست رساله از وضعیت مشابهی برخوردارند و مراجعه به مطالب مقدماتی کتب و رساله‌های فلاسفه، تأمین کننده نیاز این بخش از تحقیق است. البته به منظور تحقیق درباره این موضوعات به چند مقاله نیز مراجعه شده است. اما در بررسی روش‌شناسی فلسفه اسلامی علاوه بر مطالعه کتب فلسفی، مطالعه کتب منطقی برای تبیین روش برهانی ضروری است. از سوی دیگر این بحث پیشینه تحقیقاتی چندانی ندارد و با اتکاء به عبارات فلاسفه و تحلیل آن‌ها بحث را به پیش برده‌ایم. اما فصل‌نهایی و بررسی چپستی اسلامیت فلسفه حوزه تحقیقاتی جداگانه‌ای را می‌طلبد. در این بخش مراجعه به کتب فلاسفه کمک چندانی به پیش‌برد بحث نمی‌کند. به همین دلیل لازم است به کتب و مقالاتی که بیشتر به تحلیل اسلامیت فلسفه اسلامی پرداخته‌اند مراجعه شود.

پرداختن به این حجم از موضوعات گوناگون و در عین حال مرتبط با هم، که فراوانی منابع و مآخذ را نیز به همراه دارد، موجب طولانی شدن روند تحقیق و تدوین رساله شد. به هر حال با یاری خداوند متعال رساله حاضر تدوین گردید. ادعای جامعیت و بی‌نقصی آن ادعای گزافی است؛ ولی در طول نگارش آن سعی شد که از اطاله بی‌مورد کلام پرهیز، در آوردن عبارات فیلسوفان به حدّ ضرورت اکتفاء و منسّ صادقانه در نقل مطالب و نظرات اتخاذ گردد. امید است که به فضل الهی این بضاعت ناچیز مورد قبول درگاهش قرار گیرد.

فصل اول:

تعریف فلسفہ اسلامی